

بررسی عوامل موثر بر گرایش به روابط پیش از ازدواج (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کردستان)

محمد احمدی

کارشناسی ارشد رفاه اجتماعی، مدرس دانشگاه پیام نور واحد کامیاران

چکیده

روابط پسران و دختران در دوران پیش از ازدواج، تحت تأثیر فرهنگ و شرایط اجتماعی آنها در حال تغییر و دگرگونی است؛ و از آن جایی که این طیف از جمعیت جزو منابع انسانی آینده ساز جامعه محسوب می شوند باید به ارضای نیازهای آنها توجه آگاهانه و روشنی صورت بگیرد.

روش: پژوهش به روش پیمایشی. تعداد نمونه، براساس فرمول کوکران، ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه کردستان که به شیوه نمونه گیری طبقه ای و نسبی. داده ها از طریق پرسشنامه جمع آوری و توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل کرده ایم. یافته ها: یافته ها نشان می دهد که حدود ۶۳/۲ درصد از پاسخگویان به روابط پیش از ازدواج نگرش مثبت داشته و جمعاً ۷۱/۶ درصد دارای رابطه دوستی با جنس مخالف بوده، و یک سوم از آن ها یعنی ۳۲/۴ درصد دارای رابطه جنسی و بدنی بوده اند. گرایش به رابطه پیش از ازدواج با درآمد خانواده و تحصیلات والدین و همچنین سن فرد رابطه مستقیم دارد. اما با سطح دین داری و روابط حسنه با والدین رابطه معکوس دارد. تبیین رگرسیون نشان می دهد که دو متغیر نیاز جنسی و دین داری، حدود ۲۷ درصد از تغییرات در زمینه گرایش به رابطه پیش از ازدواج را تبیین می کند.

نتایج: پسران و دختران بر این نظراند که نیاز جنسی یکی از دلایل اصلی در برقراری رابطه پیش از ازدواج است؛ انگیزه دختران برای ارضای نیاز عاطفی و رسیدن به ازدواج بیش از پسران است؛ پسران بیشتر با تمایلات جنسی وارد رابطه جنس مخالف می شوند.

کلمات کلیدی: روابط پیش از ازدواج، نیاز جنسی، نیاز عاطفی، تحصیلات، دین

داری

مقدمه

انسانها در فضا و محیط زندگی به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند. از جمله رابطه ها؛ روابط بین دو جنس مخالف است. در تمامی جوامع جهان نحوه رابطه بین دو جنس از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در هر دوره تاریخی شکل ویژه ای به خود گرفته است. زمانی که این ارتباط پیش از ازدواج برقرار می شود به جهت پیچیدگی رابطه ممکن است چندین هدف مختلف را داشته یا برحسب شرایط و انگیزه ها، نوع شخصیت و جنسیت افراد نیازهای متفاوتی را تعقیب نماید. هم اکنون بیش از ۱/۵ میلیون دختر و پسر ایرانی در سن ازدواج قرار دارند (اداره کل آمار عمومی، مرکز آمار ایران: ۱۳۹۵)؛ از این رو بررسی نیازهای اساسی این افراد و دلایل گرایش آن ها به ارتباط با جنس مخالف، از اهمیت فراوانی برخوردار است. چراکه تأمین نامناسب و ناصحیح این نیازها یا قرار گرفتن آن ها در مسیر نادرست، فرد را به لحاظ روحی و روانی و در روابط اجتماعی و زندگی خانوادگی با مشکلات عدیده ای روبرو خواهد کرد. دختر و پسر، در رابطه متقابل، ممکن است در معرض فعالیت های مضر و زیادی قرار بگیرند که به سبب وجود عشق در رابطه، سوءاستفاده به نظر نرسد؛ اما درواقع، آنان وارد روابط آسیب زا شده اند، و خود از آن بی خبرند. در چنین روابطی، یکی از طرفین، از دیگری سوء استفاده می کند که ممکن است از نوع جنسی و جسمی باشد؛ حتی ممکن است افراد ناخواسته در معرض موقعیتی خطرناک همچون تجاوز جنسی و بارداری قرار بگیرند (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۶). بنا به شواهد، سالانه حدود ۸۰ هزار جنین به صورت قانونی و غیر قانونی در کشور سقط می شود. بیش تر دختران و زنانی که سقط جنین می کنند، کم تر از ۲۵ سال دارند که شاید دلایل مهم آن، روابط نامشروع پیش از ازدواج باشد (محمدی اصل، ۱۳۸۸). دانشگاه یکی از محیط هایی است که در آن، فرصت هایی برای برقراری روابط پیش از ازدواج فراهم است. از سوی دیگر «دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه ها یکی از منابع مهم هنجار در جامعه محسوب می شوند و شناخت ارزش ها و هنجارهای حاکم بر رفتار آنان، در این باره، می تواند محققان و عالمان اجتماعی را در پیش بینی برخی واقعیات های این مسئله در سایر اقشار جامعه یاری نماید» (سکاران، ۱۳۸۱). منظور از معاشرت و دوستی دختر و پسر، گستره ای از روابط میان دو جنس مخالف پیش از ازدواج و بدون حریمیت است که با انگیزه های مختلفی مانند صمیمیت، رفاقت، دل بستگی، فعالیت جنسی، تعهد، مراقبت و مبادله طرفین شکل می گیرد و در قالب دوستی و قرارهای عاشقانه به منظور ازدواج، دوستی های خیابانی، هم خانگی و شکل های دیگر تداوم می یابد (موحد و دیگران، ۱۳۸۵)؛ لذا در این مقاله بر آنیم که عوامل مؤثر بر این روابط را میان دختران و پسران دانشجوی دانشگاه کردستان شهر سنندج بررسی کنیم.

پیشینه تحقیق

روابط دو جنس، در سراسر دنیا و از جنبه های مختلف، همواره موضوعی درخور بررسی بوده است؛ اما به نظر می رسد، در هیچ کشوری هم چون ایران، این موضوع چالش برانگیز و مسئله ساز نبوده است. در ایران، تحقیقات متعدد نشان می دهد که حدود ۳۰ تا ۷۰ درصد نوجوانان به نوعی با این مسئله درگیرند (گلزاری، ۱۳۸۳). در تحقیقی گسترده بر روی ۷۵ هزار نفر از جوانان و نوجوانان ۱۴ تا ۱۹ سال، در سراسر کشور، ۴۵ درصد از نمونه ها عنوان کردند که مسائل جنسی آنان را از لحاظ فکری آزار می دهد و ۳۵ درصد نیز گفتند که به دلیل مسائل جنسی گاهی به درد سر افتاده اند (میر باقری، ۱۳۸۱). در پژوهشی تحت عنوان بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی، در تهران، سطح موافقت با معاشرت پیش از ازدواج، رقم زیادی (۶۸/۸) را نشان می دهد. با افزایش سن، موافقت جوانان با روابط پیش از ازدواج کاهش می یابد (محسنی، ۱۳۷۹). شواهد حاکی از آن است که تغییر در ارزش ها و نگرش ها در ایران، برای مثبت قلمداد کردن رابطه ها و معاشرت های دختر و پسر، تا پیش از ازدواج است؛ به طوری که ارزش هایی همچون حرف نزدن زن و مرد نامحرم تغییر کرده و ازدواج های برخاسته از این گونه معاشرت ها افزایش یافته است. بیش از نیمی از افراد نمونه در پژوهش، با قید و شرط در دوستی دخترها و پسرها موافق اند؛ درحالی که کم تر از نیمی از آنان، در این باره، دیدگاه مخالفی دارند (آزاد آرمکی و دیگران، ۱۳۷۹). غالب پژوهش ها حاکی از آن است که پسران تمایل بیش تری به این روابط نشان داده و میانگین موافقت آن ها با دوستی دختر و پسر بیش تر از دختران است (غفاری، ۱۳۸۶؛ اسدی، ۱۳۸۵).

طبق سایر تحقیقات، تنها ۲۲/۶ درصد از دانشجویان، نگرش منفی به این روابط دارند اما نگرش والدین شان، منفی تر از خودشان است. در مجموع، زنان درمقایسه با مردان، نگرش بسیار منفی تری به این گونه معاشرت ها دارند (موحد و دیگران، ۱۳۸۵). البته تحصیلات والدین در نگرش مثبت به این روابط تأثیر معناداری دارد؛ به طوری که بخشی از یافته های صالحی و دیوبند (۱۳۸۹) نشان می دهد هرچه سطح تحصیلات والدین بیش تر شود، نگرش آنان به رابطه دختران با جنس مخالف مثبت تر شده و مخالفت آنان با رابطه دختران با جنس مخالف کم تر می شود. هم چنین هراندازه والدین به لحاظ شغلی در مرتبه بالاتری باشند، نگرش آنان نیز درباره ارتباط دختر خود با جنس مخالف، مثبت تر است. متغیرهای سن، امکانات رفاهی خانواده، استفاده از ماهواره و سطح غرب گرایی نیز با نگرش مثبت والدین به این گونه روابط، ارتباط فراوانی دارد. از دیگر دلایل شکل گیری این گونه روابط، نیاز عاطفی، ضعف اعتقادات، سهل انگاری و بی مبالاتی خانواده ها، فشار

دوستان و همسالان، نیاز جنسی، آشنایی به قصد ازدواج و مشکلات ازدواج و تنظیم خانواده است (غفاری، ۱۳۸۶). در همین زمینه، توهم قدرت در پسران و جاذبه در دختران و نیز پناه آوردن به یکدیگر، در اثر ناملايمات اجتماعی و خانوادگی، از جمله انگیزه های ارتباط با جنس مخالف ذکر شده است (پناهی، ۱۳۸۴).

پژوهش های داخلی، با توجه به غلبه ارزش های دینی و موازين شرعی، بیش تر جهت های نگرشی و روابط کلامی و جسمی و جنسی دو جنس را بررسی می کند. درحالی که مطالعات خارجی، با توجه به تعریف متفاوت از ارتباط دو جنس، تنها به ارتباطات عمیق جسمی و جنسی و مخاطرات آن توجه دارد؛ لذا استناد به این منابع و الگو برداری از آن ها تنها به این قالب از ارتباطات محدود خواهد بود.

اما کریشنا^۱ و همکاران (۲۰۰۶) درباره پسران خیابانی تحقیق کردند که ۴ تا ۵ سال از زندگی خود را در خیابان ها گذرانده بودند. این افراد ۹ تا ۲۳ سال داشتند و ۴۵ درصدشان ۱۴ تا ۱۷ ساله بودند. کریشنا و همکارانش نتیجه گرفتند که موقعیت های اجتماعی، نبود آموزش درباره آسیب رابطه با غیر هم جنس و رفتارهای پرخطر جنسی، تصویری از رابطه جنسی و اجبار (اضطرار) جنسی در بین پسران خیابانی به وجود می آورد. لارنس و بریفلد^۲ و همکاران (۱۹۹۵) و نیز جموت^۳ (۲۰۰۱) نیز موفق شدند اثر آموزش سالم را بر کاهش رفتار پرخطر نشان دهند. کیربای^۴ و کوئل (۲۰۰۳) نیز برنامه ای در زمینه آموزش روابط سالم تحت عنوان انتخاب سالم تر، روی جوانان اجرا کردند. نتایج این آموزش، تأثیرات مثبت در کاهش شرکای جنسی و مقاربت جنسی پرخطر و بدون پوشش است؛ بنا به یافته ها، نیاز جنسی از ابعاد مهم در برقراری رابطه بین دو جنس مخالف است؛ اما تنها نیاز در این زمینه نیست و نمی توان گفت هرگونه ارتباط بین دو جنس به این منظور صورت می گیرد. حتی بین دو جنس نیز انگیزه های ارتباط با یکدیگر متفاوت است. بلسک و باس^۵ (۲۰۰۱) با توجه به نتایج تحقیقات خود، براین باورند که انگیزه مردان برای آشنایی و شروع چنین روابطی، تمایلات جنسی است؛ اما زنان بیش تر با انگیزه به دست آوردن حمایت و مراقبت فیزیکی برای خودشان، به دنبال چنین روابطی هستند.

مبانی نظری تحقیق

در این زمینه، برخی ابعاد دینی و مذهبی مسئله را در نظر می گیرند. اینان بر این باورند که نگرش مثبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، ارزشی عقلانی سکولار است؛ به این معنا که فرد، با توجه به سود و زیان خود و بدون در نظر گرفتن ارزش های دینی، به سمت برقراری چنین روابطی می رود (موحد و دیگران، ۱۳۸۵)؛ البته همان گونه که هرویولزه^۶ تأکید دارد، این قضایا بر پایان دین و دین داری دلالت نمی کند، اما به بازسازی وسیع در زمینه نهادهای اعتقادی حاکم بر جامعه اشاره دارد (Hervieu-Léger, 2001). دین داری همواره به منزله سدی در برابر گزینه مطرح بوده است؛ به طوری که روستوسکی^۷ از آن به مثابه عامل کنترل غرایز یاد می کند. او معتقد است که دین داری، شروع ارضای غرایز جنسی را به تعویق می اندازد. نتایج تحقیق وی گویای آن است که در میان افرادی که نمره دین داری بیش تری دارند، روابط جنسی زودهنگام کم تر است (روستوسکی و دیگران، ۲۰۰۴).

حال پرسش این است که چه عواملی بستر شکل گیری این گونه روابط است؟ و چه نیازهایی در این گونه ارتباطات برآورده می شود؟ از نظر مازلو^۸ تا زمانی که نیازهای اولیه و جسمانی در هر ارتباط برآورده نشود، تأمین دیگر نیازهای فرد امکان ناپذیر است. طبق نظریه نیازهای^۹ مازلو، انسان ها پنج دسته نیاز دارند که عبارت است از: نیازهای جسمی (هوا، غذا، آب، خواب، رابطه جنسی و...)؛ نیاز به ایمنی؛ نیاز به روابط اجتماعی؛ نیاز به احترام و تأیید و نیاز به خویشتن یابی. وی برای این نیازها نوعی اولویت سلسله مراتبی قائل است. به این معنا که ابتدا نیازهای سطوح پایین یا پست باید ارضا شود؛ پس از آن، انسان در سطوح بالاتر احساس نیاز خواهد کرد. از نظر مازلو، نیازهای جسمانی در پایین ترین سطح و نیاز به خویشتن یابی در عالی ترین سطح است (ازکمپ^{۱۰}، ۱۳۷۰؛ اتکینسون^{۱۱}، ۱۳۸۱). بر این اساس، نیاز جنسی را باید به مثابه نیاز اولیه در این گونه روابط در نظر گرفت. برآورده کردن سایر نیازها مستلزم برطرف کردن چنین نیازی است. از دیدگاه برخی نظریه پردازان اجتماعی، روابط دو جنس در سنین نوجوانی و جوانی شکل می گیرد، جرج لوینگر^{۱۲} و همکارانش (۱۹۷۴)

^۱ Ramakrishna.

^۲ Lawrence, Brafield.

^۳ Jemmot.

^۴ Kirby.

^۵ Blesk, A. L. and Buss.

^۶ Hervieu-Léger.

^۷ Rostovsky

^۸ Maslow.

^۹ needs theory.

^{۱۰} Ascamp.

^{۱۱} Atkinson.

^{۱۲} levinger.

نظریه ای چند مرحله ای درباره شکل گیری ارتباطات مطرح می کنند. در مراحل اولیه، افراد یکدیگر را در مجموعه های طبیعی یا گروه های اجتماعی و گاه، گذرا ملاقات کرده و کم کم از وجود یکدیگر آگاهی پیدا می کنند، اما تعامل خاصی با هم ندارند. در این مرحله یکدیگر را در موقعیت های گذرا ملاقات می کنند اما تعاملات خلاصه و اطلاعات حاشیه ای است. اگر به یکدیگر کشش پیدا کنند، ارتباطات به سمت صمیمیت پیش می رود. دو نفر به تدریج اطلاعات و احساسات خود را برای یکدیگر افشا می کنند و تعاملات از حداقل به سمت حداکثر پیش می رود (Adams and et al, 1994).

در دوره نوجوانی و جوانی، فرد در آغاز راه برای انتخاب زوج قرار دارد. در این سنین، همچنین فرد با وظایفی از دوران جوانی مانند تحقق حس خود، کسب هویت جدایی از خانواده، والدین و دیگر بزرگسالان روبه روست (Brindis, 1998). روان شناسان، احساسات و عشق را از عوامل ایجاد ارتباط میان جوانان می دانند. از این دیدگاه، عشق رمانتیک نقش مهمی در ارتباطات بین دو جنس دارد و عشق می تواند آغازی برای ارتباطات جدید باشد (Smith and Mccaie, 1995). جوانان، در این سنین، به عشق و رابطه جنسی به گونه ای تخیلی می نگرند. زمانی که روابط دو طرفه و عشق با سائق جنسی جفت می شود، زنگ خطر به صدا در می آید (Woody, 1997). فروید (۱۹۳۳) نیز بر سائق جنسی در روابط دختر و پسر تأکید می کند و آن را عاملی ناخودآگاهانه در جذب فرد جوان به جنس مخالف و فعالیت های جنسی مؤثر می داند (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۶).

روش

پژوهش حاضر به روش پیمایشی و از نوع تحقیقات کمی به شمار می آید. جامعه آماری این مطالعه، دانشجویان دختر و پسر از رشته های مختلف، در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، طی سال ۱۳۹۶ در دانشگاه کردستان هستند. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۵۰ نفر از آنان به مثابه حجم نمونه برگزیده شده اند. در این تحقیق، برای تعیین نمونه های لازم، روش نمونه گیری طبقه ای و نسبی را به کار گرفتیم. به این صورت که با توجه به جنس و رشته و مقطع تحصیلی و نیز برحسب تعداد دانشجویان هر دانشکده، درصدی از دانشجویان را متناسب با جمعیت آن ها و در طبقات به صورت تصادفی انتخاب کردیم.

ابزار جمع آوری داده ها پرسش نامه ای حاوی ۱۳۱ گویه و ۲۰ شاخص اصلی است. گویه های آن به روش لیکرت ساخته شده و به طور غیر مستقیم از آزمودنی ها نظرخواهی می شود. این پرسش نامه به روش خود ساخته طراحی و تدوین شده است. برای تعیین اعتبار ابزار گرد آوری داده ها، از روش اعتبار محتوا استفاده کردیم؛ به این صورت که سؤالات پرسش نامه را برای نظرخواهی، به چند تن از استادان و متخصصان مرتبط دادیم. برای حصول اطمینان از پایایی ۱۳ سؤالات پرسش نامه، از آزمون آلفای کرونباخ ۱۴ استفاده کردیم که در جمعیت آزمایشی ۳۰ نفره برای همه متغیرها بیش ۰/۷۳ بدست آمد. داده های جمع آوری شده را با استفاده از نرم افزار SPSS و در تحلیل داده ها نیز از آزمون های آماری تی، تحلیل واریانس، خی دو و آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته ها

میانگین سنی پاسخگویان ۲۲ سال می باشد، ۵۳/۲ درصد پاسخگویان دختر و ۴۶/۸ درصد آنان پسر هستند. بنا به نتایج تحقیق، ۶۳/۲ درصد از دانشجویان دارای نگرش مثبت به رابطه، ۲۴ درصد دارای نگرش میانه و تنها ۱۲/۸ درصد از پاسخگویان به روابط دختر و پسر پیش از ازدواج نگرش منفی دارند.

نتایج بدست آمده حاکی از آن است که جمعاً ۷۱/۶ درصد از پاسخگویان دارای رابطه دوستی با جنس مخالف بوده که از این آمار ۳۸/۴ درصد با یک نفر و ۳۳/۲ درصد با بیش از یک نفر رابطه دوستی دارند و تنها ۲۸/۴ درصد از پاسخگویان اصلاً هیچ دوستی از جنس مخالف نداشته اند. آمار بدست آمده بیانگر این است که سطح رابطه ۳۲/۴ از پاسخگویان در حد تماس جنسی و بدنی، ۲۴ درصد تفریح و گردش، ۲۲/۴ درصد رابطه کلامی و تلفنی، و ۲۱/۲ درصد نیز هیچ گونه تماسی با جنس مخالف نداشته اند. در جدول ۱، خلاصه ای از یافته های توصیفی ارائه کرده ایم.

جدول ۱. توزیع پاسخ گویان برحسب متغیرهای مختلف

توزیع پاسخ گویان برحسب تعداد دوست			جنس		
هیچ دوستی	بیش از یک دوست	یک دوست	کل	پسران	دختران
28.4(71)	33.2(83)	38.4(96)	100(250)	46.8(117)	53.2(133)
میانگین سنی: 22 سال					
شدت رابطه بر حسب سطح ارتباط			نگرش به ارتباط دختر و پسر		
بدون رابطه	تفریح و گردش	تماس گفتاری	تماس بدنی و جنسی	مثبت	منفی
21.2(53)	24(60)	22.4(56)	32.4(81)	63.2(158)	12.8(32)

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می کنیم، انگیزه های مهم ارتباط به ترتیب زیر بوده است: ازدواج، نیاز جنسی، نیاز عاطفی، چشم و همچشمی و نیاز مالی؛ داده های بدست آمده از این پژوهش بیانگر این است که ۳۲ درصد از پاسخگویان انگیزه روابط پیش از ازدواج با جنس مخالف را برای ارضای نیازهای جنسی، ۲۹/۶ برای ازدواج، و ۲۶/۸ پاسخی به نیازهای عاطفی دانسته اند. اما دیدگاه پسران و دختران در این زمینه ها متفاوت می باشد؛ دختران اظهار می کردند که انگیزه آن ها از رابطه با جنس مخالف، ازدواج کردن و برآوردن نیازهای عاطفی شان است، درحالی که پسران روابط پیش از ازدواج با جنس مخالف را راهی برای ارضای نیاز جنسی و نیز شناخت بیشتر برای ازدواج می دانند. فاکتورهای چشم و همچشمی و نیز انگیزه های مالی در این بررسی عوامل کم رنگ تری در گرایش به روابط بوده اند.

جدول ۲. توزیع پاسخ گویان برحسب انگیزه های مؤثر بر روابط پیش از ازدواج

کل		پسران		دختران		انگیزه های روابط
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
32	80	40.2	47	24.8	33	نیاز جنسی
29.6	74	26.5	31	32.3	43	ازدواج
26.8	67	17	20	35.4	47	نیاز عاطفی
5.6	14	6	7	5.3	7	مالی
6	15	10.3	12	2.2	3	چشم و همچشمی
۱۰۰	250	۱۰۰	117	۱۰۰	133	کل

نتایج بدست آمده در جدول شماره ۳، تفاوت میانگین بین جنس و انگیزه های ارتباط را نیز نشان می دهد. تفاوت معناداری برحسب جنس در همه مولفه های انگیزه ای، به جز نیاز جنسی وجود دارد ($0/05 \geq P$)؛ یعنی هم پسران و هم دختران اعتقاد دارند که نیاز جنسی یکی از دلایل اصلی در برقراری رابطه پیش از ازدواج است؛ انگیزه دختران برای ازدواج و نیاز عاطفی بیش از پسران است؛ حال آنکه پسران بیش تر با انگیزه های جنسی و همچنین شناخت بیشتر برای ازدواج، وارد رابطه و دوستی با جنس مخالف می شوند.

جدول ۳. نتایج آزمون تفاوت میانگین انگیزه های ارتباطی برحسب جنس

جنس		میانگین		انگیزه های ارتباط
مقدار احتمال	t	پسران	دختران	
۰/۱	-۱/۳	۱۰/۷	۷/۶	نیاز جنسی
۰/۰۳	-۲/۱	۱۰/۴	۱۱/۶	ازدواج
۰/۰۰	-۴/۸	۷/۶	۱۰/۷	نیاز عاطفی
۰/۰۰	-۵/۹	۵/۵	۲/۳	نیاز مالی
۰/۰۰	-۴/۷	۳/۷	۶/۵	چشم و همچشمی

بین انگیزه های ایجاد ارتباط با نگرش و شدت گرایش به ارتباط نیز آزمون هم بستگی به عمل آمد. همان طور که در جدول ۴ ملاحظه می کنیم چهار متغیر ازدواج، نیاز عاطفی، چشم و همچشمی و نیاز مالی همبستگی مثبت و معناداری با نگرش به ارتباط با جنس مخالف دارد؛ یعنی با افزایش سطح این نیازها، نگرش به ارتباط مثبت تر می شود، اما در نیاز جنسی این هم بستگی منفی است: پاسخگویانی که نیاز جنسی را عامل ارتباطی در نظر می گیرند نگرش منفی تری به این روابط پیدا می کنند، این موضوع درباره شدت ارتباط نیز صدق می کند.

جدول ۴. آزمون هم بستگی بین انگیزه های ارتباط و نگرش و میانگین گرایش به ارتباط

متغیرها	نگرش به ارتباط با جنس مخالف		میانگین گرایش به رابطه با جنس مخالف	
	ضریب همبستگی	مقدار احتمال	ضریب همبستگی	مقدار احتمال
نگرش به ارتباط	-	-	۰/۶۱۵	۰/۰۰
ازدواج	۰/۵۱۷	۰/۰۰	۰/۴۱۳	۰/۰۰
نیاز عاطفی	۰/۴۸۲	۰/۰۰	۰/۵۷۴	۰/۰۰
انگیزه جنسی	-۰/۱۷۱	۰/۰۰۸	-۰/۰۴۴	۰/۰۴
نیاز مالی	۰/۳۰۳	۰/۰۰	۰/۳۹۱	۰/۰۰
چشم و همچشمی	۰/۳۰۴	۰/۰۰	۰/۴۷۵	۰/۰۰

همچنین انگیزه برقراری ارتباط، برحسب نوع و سطح برقراری ارتباط متفاوت است. براساس نتایج آزمون پراکنش در جدول ۵، پاسخگویانی که هیچ گونه رابطه ای با جنس مخالف نداشته اند بیش ترین نمره را به انگیزه های جنسی در برقراری این روابط داده اند بدین معنا که آن ها بر این نظراند افراد این روابط را به دلیل میل جنسی برقرار می کنند و احتمالاً به همین دلیل از برقراری رابطه در سایر سطوح نیز خودداری کرده اند. هم چنین افرادی که رابطه دوستی درحد رفتن به گردش و تفریح و نیز تماس های تلفنی و گفتاری داشته اند انگیزه رابطه خود را نیاز عاطفی و ازدواج دانسته اند. پاسخگویانی که تماس بدنی و جنسی داشته اند اولین عامل را نیاز جنسی و سپس نیاز عاطفی را عاملی دیگر برای برقراری این گونه روابط پیش از ازدواج دانسته اند. مقادیر p درهریک از این گروه ها کمتر از ۰/۵۰ است که رابطه معنا داری را نشان می دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل پراکنش بین سطوح مختلف ارتباط و انگیزه های ارتباط

انگیزه های ارتباط	ازدواج	نیاز عاطفی	انگیزه جنسی	نیاز مالی	رقابت با دوستان	F	مقدار احتمال
بدون رابطه	۹/۰۱	۵/۴	۱۰/۵	۱/۹	۲/۷	۹/۵	۰/۰۰
تماس گفتاری	۱۰/۱	۷/۶	۸/۹	۳/۴	۴/۰۴	۲۴/۴	۰/۰۰
تفریح و گردش	۱۰/۵	۱۱/۸	۹/۵	۴/۲	۵/۹	۳/۸	۰/۰۱
تماس بدنی و جنسی	۱۲/۸	۱۳/۳	۱۳/۸	۵/۴	۷/۴	۵/۵	۰/۰۱
کل	۱۰/۹	۸/۸	۹/۹	۳/۶	۴/۸	۹/۷	۰/۰۰

نتایج بدست آمده جدول ۶ رابطه متغیرهای خانوادگی و تحصیلی را با سطح گرایش و رابطه پیش از ازدواج با جنس مخالف را بررسی می کند. بر مبنای آن متغیرهای درآمد، سن و تحصیلات با گرایش و سطح ارتباط رابطه مثبتی دارند؛ یعنی هرچه این متغیرها افزایش می یابد گرایش به ارتباط و سطح رابطه نیز افزایش می یابد. اما این همبستگی درباره دو متغیر درآمد و تحصیلات از نظر آماری معنادار نیست. هم چنین متغیرهای از روابط حسنه با والدین و میزان پایبندی مذهبی (دین داری) با گرایش به رابطه و شدت آن همبستگی منفی ندارد یعنی هرچه رابطه فرد با خانواده حسنه تر باشد از شدت گرایش و ارتباط نیز کاسته می شود و نیز اینکه هرچه پای بندی مذهبی فرد بیش تر می شود شدت گرایش و رابطه کاهش می یابد و همبستگی درباره دین داری و روابط حسنه با والدین معنادار است.

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مختلف و گرایش به روابط پیش از ازدواج

متغیرهای مستقل	میانگین گرایش به ارتباط با جنس مخالف		شدت ارتباط با جنس مخالف	
	ضریب همبستگی	مقدار احتمال	ضریب همبستگی	مقدار احتمال
درآمد	۰/۰۷	۰/۲۳	۰/۰۸	۰/۱۸
سن	۰/۱۷۴	۰/۰۰۷	۰/۲۳۱	۰/۰۰
تحصیلات پدر	۰/۰۸	۰/۲۱	۰/۱۳۳	۰/۰۴
تحصیلات مادر	۰/۰۹	۰/۱۶	۰/۱۴۳	۰/۰۲
روابط حسنه با والدین	۰/۲۴	۰/۰۴	۰/۲۸	۰/۰۳
میزان دین داری	۰/۳۳	۰/۰۲	۰/۳۹	۰/۱۰

برای تبیین موضوع مد نظر یعنی عوامل مؤثر بر شدت گرایش به روابط پیش از ازدواج با جنس مخالف، از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام^{۱۵} استفاده کردیم، در مجموع از شانزده متغیر وارد شده به معادله رگرسیونی دو متغیر مستقل در مدل باقی ماندن که ضریب همبستگی آن ها با شدت گرایش به روابط برابر با $r = 0/72$ ، ضریب تعیین برابر با $0/29$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/27$ است. این ضرایب نشان می دهد که حدود 27 درصد از واریانس مقدار گرایش به روابط، با متغیرهای موجود در معادله رگرسیونی تبیین می شود. در جدول ۷ ترتیب متغیرهای مستقل که در تحلیل رگرسیونی باقی مانده اند، همراه با مقدار تی، بتاها و ضرایب مرتبط و نیز مقادیر p نمایش داده شده است. نیاز جنسی با مقدار بتای برابر با $0/37$ بیش ترین پراکنش شدت ارتباط را تبیین می کند. همچنین دین داری با مقدار بتای $0/25$ - در تبیین تغییرات حاصل در سطح ارتباط پیش از ازدواج نقش داشته است.

جدول ۷. نتایج آزمون رگرسیون برای تبیین عوامل مؤثر بر مقدار گرایش به روابط پیش از ازدواج

متغیرهای مستقل	B	Std. Error	Beta	t	مقدار احتمال
ثابت a	۱۱/۹	۲/۵۸	-	۴/۶	۰/۰۰
نیاز جنسی	۰/۵۶	۰/۰۸	۰/۳۷	۷/۰۳	۰/۰۰
دین داری	-۰/۳۳	۰/۰۸	-۰/۲۵	-۳/۸	۰/۰۰

بحث

یکی از مسائل جامعه ما ارتباط بین دختران و پسران است و در دانشگاه به دلیل هم جواری دو جنس این روابط به طرز محسوس تری مشاهده می شود؛ از این رو در این مقاله عوامل مؤثر در شکل گیری این روابط در بین دانشجویان دانشگاه کردستان را بررسی کرده ایم. روش به کار رفته در این پژوهش، روش پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه کردستان است که تعداد ۲۵۰ نفر از آنان به عنوان نمونه، براساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه گیری طبقه ای نسبی انتخاب شده اند، داده های لازم را از طریق پرسش نامه محقق ساخته جمع آوری و با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

براساس نتایج این تحقیق، اکثر پاسخگویان $63/2$ درصد نگرش مثبت به روابط پیش از ازدواج بین دو جنس دارند؛ و تنها $12/8$ درصد از آن ها به این روابط نگرش منفی دارند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که جمعا $71/6$ درصد از پاسخگویان دارای رابطه دوستی با جنس مخالف بوده که از این آمار $38/4$ درصد با یک نفر و $33/2$ درصد با بیش از یک نفر رابطه دوستی دارند و تنها $28/4$ درصد از پاسخگویان اصلا هیچ دوستی از جنس مخالف نداشته اند. این نتایج با تحقیقات میرباقری (۱۳۸۱) و گلزاری (۱۳۸۳) هم خوانی دارد. آنان ادعان می دارند که روابط پیش از ازدواج در بین جوانان رو به افزایش است.

از نتایج دیگر تحقیق این است که بین درآمد و تحصیلات پدر و مادر، با گرایش به رابطه با جنس مخالف، همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی خانواده های با درآمد و تحصیلات بیشتر، گرایش بیشتری به روابط دوستانه با جنس مخالف داشته اند. این موضوع با نتایج تحقیق صالحی و دیوبند (۱۳۸۹) هم سویی دارد. تحصیلات با نوگرایی همراه است و خانواده ها از نگاه سنتی به این روابط فاصله می گیرند؛ لذا آزادی های بیش تری، در کنار امکانات رفاهی، برای فرزندان خود فراهم می آورند که ممکن است نتایج نامطلوبی برای آنان به همراه داشته باشد.

هم چنین بین سن و گرایش به رابطه نیز هم بستگی مثبت و معناداری مشاهده می شود. این موضوع نیز با نتایج پژوهش محسنی (۱۳۷۹) و میرباقری (۱۳۸۱) و گلزاری (۱۳۸۳) هم خوانی دارد آنان بیان می دارند که با افزایش سن، تمایل به برقراری رابطه افزایش می یابد. نتایج آماری بدست آمده در این پژوهش بیانگر این است که پای بندی مذهبی (دین داری) با گرایش به رابطه با جنس مخالف همبستگی منفی دارد؛ به این معنا که هرچه اعتقادات مذهبی فرد بیش تر باشد گرایش کمتری به رابطه دارد. این نتیجه با تحقیق روستوسکی و دیگران (۲۰۰۴) کمابیش یکسان است. آنان اظهار می دارند دین داری عامل بازدارنده آسیب ها و خطرهای در روابط جنسی زود هنگام به شمار می رود. هم چنین روابط حسنه فرزندان با والدین با گرایش به رابطه پیش از ازدواج هم بستگی منفی دارد؛ یعنی هرچه روابط والدین با فرزندان حسنه تر باشد گرایش به برقراری رابطه کاهش می یابد. این موضوع با نتایج تحقیق کریشنا و همکاران (۲۰۰۶) کمابیش مشابه است. آنان اظهار می دارند نابسامانی خانواده و نبود روابط حسنه بین فرزندان و والدین، فرزندان را به سمت رفتارهای پرخطر در محیط های اجتماعی سوق می دهد. نتایج بدست آمده در این بررسی حاکی از این است که انگیزه مهم پاسخگویان از برقراری رابطه با جنس مخالف ارضای نیازهای جنسی، نیاز عاطفی و گرایش به ازدواج بوده است. اما دیدگاه پسران و دختران در این زمینه ها متفاوت می باشد؛ دختران اظهار می کردند که انگیزه آن ها از رابطه با جنس مخالف، ازدواج کردن و برآوردن نیازهای عاطفی شان است، درحالی که پسران روابط پیش از ازدواج با جنس مخالف را راهی برای ارضای نیاز جنسی و نیز شناخت بیشتر برای ازدواج می دانند. تحقیقات غفاری (۱۳۸۹) و اسدی (۱۳۸۵) نیز قبلاً نتایج مشابهی را در بررسی هایشان بدست آورده اند.

چنین به نظر می رسد که افراد با تصور ازدواج به ارتباط با جنس مخالف روی می آورند؛ اما وقتی عملاً در این رابطه قرار می گیرند ناخودآگاه درصد ارضای نیازهای عاطفی و جنسی خود بر می آیند. از نظر روان شناسان (Smith and Mccaie, 1995) عشق رمانتیک و احساسات در سنین جوانی پیش زمینه های لازم برای سیر عادی موضوعاتی از جمله ارتباطات جدید، کشش به جنس مخالف، ازدواج و تشکیل زندگی جدید است؛ اما زمانی که این احساسات با سائق جنسی جفت شود (Woody, 1997) و ازدواج میسر نشود زنگ خطر به صدا درمی آید و خطرهای حاصل از ارتباط نیز افزایش می یابد.

بر پایه نظریه نیازهای مازلو، تا زمانی که نیازهای اولیه همچون خوراک و پوشاک و نیاز جنسی برآورده نشود، این امکان برای فرد وجود ندارد که نیروی خود را صرف اهداف و نیازهای عالی و دینی کند. بسیاری از روابط جوانان با جنس مخالف به دلیل ممنوعیت های شرعی و قانونی و عرفی حتی اگر با هدف ازدواج باشد در خفا صورت می گیرد؛ در نتیجه آسیب های ناشی از بی اطلاعی خانواده ها و همچنین لطمه های روانی، در اثر قطع ارتباط یک سویه یا نا آگاهی از مخاطرات روابط جنسی محافظت نشده، خودبه خود افزایش می یابد. از طرفی جوانانی که درگیر این روابط شده اند خود را در تعارض با هنجارهای مذهبی و اجتماعی _خانوادگی می بینند. ناسازگاری این دو ارزش، آن ها را در دوگانگی میان ارزش های سنتی و مدرن عملاً سرگردان می گذارد. این سردرگمی چالشی بزرگ برای جوانان است که می تواند آن ها را به ناهنجارهای رفتاری و اجتماعی سوق دهد (موحد و دیگران، ۱۳۸۵).

لذا اولین گام، در راستای بهبود این روابط، توجه به ارضای نیازهای جنسی و عاطفی جوانان از سوی نهادهای اجتماعی و خانواده هاست. این نیز پیش از هر چیز نیازمند برخورداری آنان از آموزش رفتارها و ارتباطات سالم است (Lawrence and et al, 1995; Jemmot, 2001; kirby, 2003). باید توجه داشت که درک نیازهای جوانان جدا از تأمین صرف نیازهای مادی آن ها ست و در این باره آموزش های لازم حتی به والدین تحصیل کرده نیز ضرورت دارد.

در جامعه کنونی ما بنا به نوع مذهب و فرهنگ خاص آن تنها راه قابل قبول ارتباط دو جنس جهت پاسخ به نیازهای عاطفی و جنسی خود، ازدواج است. اما این امر همیشه به راحتی قابل تأمین نیست و به شدت تحت تأثیر باورها و هنجارهای اجتماعی و هم چنین وضعیت اقتصادی و معیشتی قرار دارد؛ و نیز این که ازدواج و تشکیل زندگی نیازمند پیش نیازهایی مثل شغل و مسکن مناسب، گذراندن مراحل آشنایی و شناخت، رضایت خانواده ها و سایر معیارهایی که نه به جهت عاطفی بلکه از لحاظ عقلانی باید مد نظر قرار گیرد. لذا جوان امروزی تحت فشار نیاز عاطفی یا غریزی یا هر دو، روش های متفاوتی را پیش می گیرد. انزوا طلبی و پناه بردن به ناهنجاری های جنسی (نگاه کردن به فیلم های جنسی و خود ارضایی) در پاسخ به نیاز غریزی یا سرکوب این غریزه است که بنابر اصول روان شناختی، به دور از صدمه های روحی و آسیب های اجتماعی نخواهد بود.

در بررسی های کیفی این پژوهش عوامل دیگری هم در تمایل به برقراری روابط پیش از ازدواج تأثیرگذار بوده اند: مقوله هایی همچون الگو گرفتن از فیلم ها و سریال های ماهواره، فیلم های کاملاً آشکار جنسی در کانال های تلگرام و اینستاگرام که از طریق گوشی های همراه قابل دیدن و انتقال می باشند، پوشیدن لباس های تنگ و چسبناک توسط دختران که نمای کاملی از عطش جنسی را به نمایش می گذارند، بیان و ارائه مکالمه ها و نیز تعریف خاطرات و تمایلات و رفتارهای جنسی خود در جمع های دوستانه و خصوصی، برخورد های احتمالی در معابر کوچه و بازار و علی الخصوص لمس و دست مالی قسمت های حساس دختران توسط مردان و پسران جوانی که به اخلاق اجتماعی پایبند نیستند.

منابع و مراجع

- آزاد ارمکی، ت. و دیگران (۱۳۷۹)، بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهران، مجله علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ش ۱۹.
- اتکینسون، ر. و همکاران (۱۳۸۱)، زمینه روان شناسی، ترجمه: محمدتقی براهنی، تهران: انتشارات رشد.
- ازکمپ، الف. (۱۳۷۰)، روان شناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه: فرهاد ماهر، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اسدی، ع. (۱۳۸۵)، بررسی روابط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه های شهر اردبیل، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، دوره ۶، ش ۲.
- پناهی، ع. الف. (۱۳۸۴)، دوستی از منظر دینی؛ با نگاهی به شرایط دوستی دختر و پسر، مجله معرفت، ش ۹۷: ۵۴ تا ۶۵.
- سکاران، الف. (۱۳۸۱)، روش های تحقیق در مدیریت، ترجمه: محمد صائبی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- صالحی، ع. و دیوبند، ف. (۱۳۸۹)، نگرش، شناخت و عملکرد والدین نسبت به شکل گیری نگرش دختران دبیرستانی درخصوص ارتباط دختر و پسر، سازمان جوانان.
- غفاری، غ. (۱۳۸۶)، روابط و ارزش های اجتماعی جوانان ایرانی، مجله مطالعات جوانان، ش ۸ و ۹: ۷ تا ۳۲.
- گلزاری، م. (۱۳۸۳)، آموزش مشاوره با نوجوانان در زمینه ارتباط با جنس مخالف، فصلنامه روان شناسی و علوم تربیتی: ۱۰۵ تا ۱۲۲.
- محسنی، م. (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی در تهران، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدی اصل، ع. (۱۳۸۸)، مراودات اجتماعی دختران و پسران ایرانی، فصلنامه گزارش، سال ۱۸ (۲۱۲).
- مرکز آمار ایران، اداره کل آمار عمومی، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری (۱۳۹۵)، سالنامه آماری ۹۵ جمعیت برحسب سن در سال ۹۵.
- موحد، م. عنایت، ح. عباسی شوازی، م. ت. (۱۳۸۵)، بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، دوره ۲۴، ش ۲ (۴۷)، ویژه نامه جمعیت و توسعه.
- موحد، م. عباسی شوازی، م. ت. (۱۳۸۵)، بررسی رابطه جامعه پذیری و نگرش دختران نسبت به ارزش های سنتی و مدرن در زمینه روا بط بین شخصی دوجنس پیش از ازدواج، مجله مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، سال ۴ (۱): ۱ تا ۳۴.
- میرباقری، م. (۱۳۸۱)، نتایج پژوهش ملی در وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله استان تهران، تهران: سازمان ملی جوانان.
- یوسفی، ز. اشرف، م. ر. هویدافر، ر. (۱۳۸۶)، سالم سازی روابط دختران و پسران، تازه های روان درمانی، سال ۱۲ (۴۳ و ۴۴): ۸۷ تا ۹۶.
- Adams, S. Gullato. I, markstorn-Adams. C.(1994), Adolescentlife Eexperiences, California: Eerooks/ceai.
- Blesk, A. L. and Buss, D. M. (2001). Opposite-Sex Frenndship: Sex Differences and Similarities in Initiation, Selection and Dissolution, PSPB, 27, 1310-1323.
- Brindis, C.(1998), Mobilizing for action, communities responding to the challenge of adolescent pregnancy prevention Advoeates for Youth, Washington, D.C. available at: www.Advoeatesforyouth.org
- Hervieu-Léger, D. (2001), The Two Fold Limit of Secularization, In: Peter Berger and the Study of Religion, (Eds.): Woodhead, L., Heelas, P. and Martin, D., New York: Routledge, 112-126.
- Jemmot , J, B. Jemmot , L. S.(2001), Reducing sexual risk taking Behavior progroms that work, Journal of National Black Nurses Association , 2(1): 4-14.
- kirby, D. (2003), BDI logic model: A useful tool for rating and evaluating and evaluating programs to reduce adolescent sexual risk.
- Lawrence, S, T, Brafield , J, S, Gefferson, T,(1995), Cognitivebehavioral intervention to reduce African –American adolessents risk for HIV-intfection, Journal of Counseling and Clinical psychology, 63 (2): 221-237.
- Loinger. Gorg. et al. (1974), Similarities in Initiation, Selection and Dissolution, PSPB, 27: 1310-1323.
- Ramakrishna, Iayashree, Karpott, Mani and Radha srinivasa Murthy.(2006), Experiences of sexual coercion among street boys in Bangalore, India. available at: [www.who.int/reproductive health/publications/ to wards adu thood/14.pdf](http://www.who.int/reproductive%20health/publications/to%20wards%20adhood/14.pdf)

- Rostosky, S. S , et al. (2004), The Impact of Religiosity on Adolescent Sexual Behavior: A Review of the Evidence, Journal of Adolescent Research, 19 (6): 677-697.
- Smith. E. R. Mccaie. D. M. (1995), Social psychology, New York: Worthpublishers.
- Woody. j.(1997), Emotions and motivations in first adolescent intercourse: an exploratory study based on object relations theory, The Canadian journal of Human Sexuality, 25: 24-35.